

## وقایع اتفاقیه در آذربایجان و مراغه

(یادداشت چند واقعه مهم تاریخی مربوط به آذربایجان و مراغه دوره قاجار)

(بر اساس نسخه ۱۴۴۱۸ مجلس)

افسانه حصیری<sup>۱</sup>

### درآمد:

توجه به یادداشت‌های پشت نسخه‌ای و گاه میان نسخه‌ای، در بررسی‌های مختلف، بسته به نوع یادداشت، بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از وقایع مهم تاریخی مستند و بلاواسطه در این یادداشت‌ها ثبت و ضبط شده و موجود است. یکی از این یادداشت‌های ذی‌قیمت، حاوی اطلاعات ناب و گاه درجه‌اولی از وقایع آذربایجان و مراغه می‌باشند که در نوع خود تازه و بدیع می‌باشد. نسخه حاضر که تنها یک صفحه است، در ضمن یک مجموعه در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۴۱۸ نگهداری می‌شود که اثر ۱۵ از آن مجموعه می‌باشد.

یادداشت‌های حاضر که به یازده فقره می‌رسد، وقایع مهمی است که یا پیش از راقم اتفاق افتاده و او آنها را از دیگران شنیده و یا در زمان او اتفاق افتاده و خود به چشم دیده یا بدان اطلاع یافته است، و سپس در این صفحه گرد آورده است. این یادداشت‌ها شامل: سه فقره زلزله، چهار فقره شیوع بیماری طاعون در بلاد آذربایجان، تاریخ وفات دو شاه قاجار (آقا محمدخان و فتحعلی شاه)، واقعه حمله اکراد بلباس به آذربایجان و مراغه و قتل عام آنها، وفات احمدخان بگلربیگی مراغه در میاندوآب و ماده تاریخ آن.

از ویژگی‌های این یادداشت‌ها می‌توان به مستدل بودن و تازگی برخی از آنها اشاره کرد. ذکر دقیق تاریخ وقایع اتفاقیه، از جمله تاریخ وفات بگلربیگی و یا طاعون و زلزله‌هایی که اتفاق افتاده و ... که شاید در منابع

1. Email: A.hasiri57@yahoo.com

دیگر به آنها دسترسی نداشته باشیم.

راقم این یادداشت‌ها خود را «عبدالغفار بن المرحوم الحاج محمدفصیح مراغه‌ای» معرفی می‌کند و می‌گوید: «...در اوقاتی که به جهت دماغ سوختگی غربت در دارالایله محروسه سنندج کردستان ساکن بوده، به رسم یادگاری سمت تحریر پذیرفت... به تاریخ یوم عصر یوم‌الجمعه فی ۲۶ شهر ربیع‌الاول من شهر سنه ۱۲۶۱ ق.».

ذیلاً متن اثر حاضر آورده می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

وقایع‌های اتفاقیه که در سنوات ماضیه و ازمنه سابقه صانع و واقع شده که بعضی از آنها در محروسه بلاد مراغه و بعضی در سایر بلاد آذربایجان شده و وقوع به هم رسانیده که محرر داعی از بی‌مشغلتی و بی‌کاری خود را مشغول نموده. در اوقاتی که به جهت دماغ سوختگی غربت در دارالایله محروسه سنندج کردستان ساکن بوده، به رسم یادگاری سمت تحریر پذیرفت.

حررها عبدالمدنّب: عبدالغفار بن المرحوم الحاج محمدفصیح مراغه ای طاب مثواه.

به تاریخ یوم عصر یوم‌الجمعه فی ۲۶ شهر ربیع‌الاول من شهر سنه ۱۲۶۱ ق.

۱- تاریخ وقوع طاعون که قدیم از زمان کمترین راقم بود، سنه ۱۱۷۲ در ایام سلطنت محمدحسن‌خان قاجار در آذربایجان حادث شده بود.

۲- تاریخ وقوع زلزله عظیم که در تبریز در ایام پادشاهی آقا محمدخان قاجار و در حکومت نجفقلی‌خان بگلرگی تبریز صانع شده بود و تبریز را بلده‌ای خراب نموده بود، در شنبه غره محرم‌الحرام، یک ساعت از شب گذشته، سنه ۱۱۹۴.

۳- ایضاً در عهد محمدشاه زلزله شده بود و در خوی بسیار خرابی کرده بود، سنه ۱۲۵۸.

۴- تاریخ وقوع زلزله که در عهد محمدشاه واقع شده بود، هم در بلده عراق و هم در آذربایجان و در کاشان و محال اصفهان بسیار خرابی نموده بود، فی شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۰.

۵- تاریخ وفات خاقان مغفور فتحعلی شاه در اصفهان ۱۲۵۰.

۶- تاریخ وقوع طاعونی که در عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه و اول سلطنت مغفور مزبور و ایام حکومت جنت آرامگاه احمدخان بگلرگی مرحوم مراغه‌ای بود و بسیار کس از مردم مراغه مرحوم شده بودند، سنه ۱۲۱۳.

۷- تاریخ وقوع طاعونی که در اواخر سلطنت فتحعلی شاه بود و ایام شباب کمترین راقم الحروف بود، سنه ۱۲۴۴.

۸- تاریخ وقوع طاعونی که در عهد سلطنت محمدشاه غازی بن عباس میرزا بن فتحعلی شاه بود و الی

دو سال در همان بلاد آذربایجان وقوع داشت، فی شهر جمادی‌الثانی من شهر سنه ۱۲۵۲.

۹- تاریخ وفات آقا محمدخان قاجار که در قلعه شیشه واقع شده بود، فی یازدهم شهر ذی‌حجه الحرام ۱۲۱۱.

۱۰- تاریخ قتل شدن هزار نفر از زن‌ها و بزرگان بلباس بد اساس در بلدهٔ مراغه به موجب حکم مرحوم مغفور احمد خان بگلربیگی. چون که طایفهٔ مذکور در نواحی بلدهٔ مذکور بسیار بسیار شرارت نموده و قتل و غارت نموده بودند. برای انتقام کشیدن بگلربیگی مرحوم بس که غیور بود، به رعایای مراغه دلسوز بود، به حيله‌گری ایشان را به مراغه آورده، به سزای خودشان [رسانیدند] و ادخال سرور به قلوب رعایای خود فرمودند و به نحوی به قتل رسانیدند به جز یک نفری از ایشان جان ببر نشدند، فی هفتم شهر صفر المظفر ۱۱۹۸.

۱۱- تاریخ واقعهٔ هایلهٔ وفات مرحوم مغفور، علین آرامگاه، احمدخان بگلربیگی مراغه در میان‌دوآب که به جهت این که خودشان آن ده را آبادان فرموده بودند، اسمش را مرحمت آباد گذاشته بود، فی شهر جمادی الثانی سنهٔ ۱۲۳۲. میرزا عبداللطیف این رباعی را ماده انشا فرموده بود:

تا مرحمت آباد چنان شد به شتاب  
به گلربیگی از مراغه شد پا به رکاب  
«از روی مراغه برگرفتند حجاب»  
تاریخ وفات او خرد گفت به راز

\*\*\*

در حاشیه دو بیت شعر یادداشت شده که یکی فارسی و دیگری ترکی است:  
گر به هم بر زده بینی خط من، عیب مکن  
که مرا محنت ایام به هم بر زده است

\*\*\*

عاشق گورنه قربان، زلفون هوره نه قربان  
من کی سنی گور میرم، سنی گورنه قربان  
(ترجمه: قربان آنچه عاشق می بیند و قربان آن که زلفش را تاب می دهد. من که تو را نمی بینم، قربان هر کس که تو را می بیند)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

